

فصلنامه سیاست خارجی
سال سی و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، صص ۳۸-۵

۱

زبان دیپلماتیک: ابزار مهم دیپلماسی عمومی جدید

دکتر موسی الرضا وحیدی^۱

^۱. کارشناس روابط بین الملل و دیپلماسی m_vahidi710@yahoo.com
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۸/۲۰)

چکیده

عصر اطلاعات که مشخصه آن انقلاب در فناوریهای ارتباطی - اطلاعاتی است، باعث تغییرات بنیادین در نحوه ارتباطات، میزان دسترسی و مشارکت عمومی در مباحث سیاست خارجی و نحوه ارتباط و انتقال پیام توسط دولت‌ها به شهروندان خارجی شده است. شکل‌گیری جوامع پسادرست، باعث تشدید رقابت برای جلب توجه و تخصصی‌تر شدن فرایند اقناع سازی و مدیریت افکار عمومی شده و این بر اهمیت زبان دیپلماتیک به عنوان زبان منطق، قانون، تدبیر، آرامش، ادب، احترام، استدلال و اقناع در چارچوب دیپلماسی عمومی جدید افزوده است. این نوشتار به دنبال بررسی رابطه بین زبان و دیپلماسی و نقش زبان دیپلماتیک در تامین منافع ملی است. در پاسخ به این سوال که چگونه می‌توان از زبان به بهترین نحو در خدمت دیپلماسی و توسعه قدرت نرم استفاده کرد؟ مدعای تحقیق این است که زبان دیپلماتیک به عنوان آئینه تبلور هویت، فرهنگ و ارزش‌های یک ملت، می‌تواند نقش تاثیرگذاری در انتقال پیام‌های معتبر، ایجاد اعتماد و شکل‌دهی برداشت‌ها، هنجارها و کنش‌های بازیگران عرصه عمومی ایفا نماید. موفقیت آن در عصر سیاست پسادرستی، منوط به توانایی ایجاد جریان مستمر از پیام‌های صحیح، فریم سازی، استفاده از پیام‌رسانان معتبر، تعامل با مخاطب، پیوند گفتار با عمل و مهارت استفاده از شبکه‌های جدید اجتماعی است. در این تحقیق، رابطه زبان با فرهنگ ملی، نقش آن در ارتباطات فرافرهنگی، شاخص‌ها و مهارت‌های مربوط به زبان دیپلماتیک، اهمیت آن به عنوان ابزار مهم قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جدید و عوامل موفقیت آن در عصر جوامع پسادرستی بررسی شده است.

واژگان کلیدی

زبان دیپلماتیک، ارتباطات فرافرهنگی، شبکه‌های جدید اجتماعی، افکار عمومی، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی جدید، قالب بندی، سیاست پسادرستی.

مقدمه

از گذشته‌های دور، زبان یکی از ابزارهای دیپلماسی برای انتقال پیام و مذاکره بین رهبران قبایل و دولت‌های مختلف بود و داشتن مهارت‌های زبانی، معیاری مهم در انتخاب فرستاده‌ها و سفرا محسوب می‌شد. به عنوان مثال، در فرهنگ مصر باستان و روم، فرستاده یا دیپلمات می‌بایست کاملاً آموزش دیده، خوش صحبت و مسلط به چند زبان بود. (Stanko, 2001) اما تغییرات بنیادین ایجاد شده در محیط بین‌المللی در نتیجه توسعه فن‌آوری‌ها و شبکه‌های ارتباطی- اجتماعی فراملی، بر اهمیت زبان دیپلماتیک به عنوان یکی از عناصر مهم قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جدید افزوده است. تشدید رقابت بین بازیگران متعدد و ترکیب شبکه‌های اجتماعی فراملی با دولت‌های پوپولیستی منجر به ایجاد جوامع پساواقعی¹ شده که پدیده فراوانی اطلاعات در آنها باعث سردرگمی مردم در شناخت اخبار و اطلاعات واقعی از گمراه کننده شده و این امر اعتماد عمومی را نسبت به مراجع سنتی و دولتی کاهش داده است. لذا، نیاز به روش‌های جدید در دیپلماسی برای انتقال پیام‌های قابل اعتماد و تقویت درک عمومی از سیاست خارجی و ارائه تصویر مثبت و واقعی از آن، بیشتر از گذشته احساس می‌شود. علاوه بر این، ورود افراد و بازیگران متعدد دولتی و غیردولتی به عرصه دیپلماسی، باعث انفجار فعالیت‌های دیپلماتیک و شبه دیپلماتیک و تضعیف منافع و امنیت ملی شده است. بسیاری از مقامات دولتی و غیردولتی بدون برخورداری از دانش و مهارت دیپلماتیک، به نحو فزاینده‌ای در خصوص مسایل سیاست خارجی و بین‌المللی موضع‌گیری می‌کنند، بدون اینکه توجه داشته باشند گفتار و نوشتار آنها قدرت تصویرسازی و کنش‌سازی دارد و بر منافع ملی تاثیرگذار است. شبکه‌های فراملی ارتباطی- اجتماعی، همچنین زمینه دسترسی دولت‌ها به شهروندان کشورهای خارجی را در مقیاسی گسترده و بی سابقه فراهم کرده و این فرصتی بی نظیر برای دولت‌ها به منظور تبدیل

¹ . Post- Factual or Truth Society

اهداف و سیاست‌های ملی به پیام‌های روشن و متقاعد کننده جهت توسعه نفوذ و شکل دهی افکار عمومی کشورهای هدف فراهم کرده است.

این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤال‌ها است: چگونه می‌توان از زبان به بهترین نحو در خدمت دیپلماسی و سیاست خارجی استفاده کرد؟ کسب چه مهارت‌هایی باعث تحقق این هدف می‌شود؟ زبان دیپلماتیک چه تاثیری بر منافع و امنیت ملی یک کشور دارد؟ رابطه آن با قدرت نرم و دیپلماسی عمومی چیست؟ و سؤال آخر اینکه، بهترین راهبرد برای موفقیت زبان دیپلماتیک در عصر سیاست پسادرستی کدام است؟ در پاسخ به این سئوال‌ات، ادعای نویسنده این است که در عصر اطلاعات/دیجیتال، بسیاری از فعالیت‌های دیپلماتیک اعم از مذاکره، برقراری ارتباط، دسترسی و تصویرسازی کماکان به صورت شفاهی یا مکتوب صورت می‌گیرد و زبان، آئینه تبلور هویت، فرهنگ و ارزش‌های یک ملت است، لذا نقش مهمی در شکل دهی برداشت‌ها، هنجارها و کنش‌های دیگر ملت‌ها و دولت‌ها ایفا می‌کند. در نتیجه، عدم توجه به مهارت‌های زبان دیپلماتیک در تعامل و گفتگو با دیگر دولت‌ها و بازیگران عرصه عمومی می‌تواند پیامدهای مخرب بر منافع و امنیت ملی داشته باشد. گذشته از نقش زبان دیپلماتیک در کمک به برقراری ارتباطات موثر بین المللی، درک بهتر روابط فرافرهنگی و توانایی بهتر مذاکراتی، در عصر سیاست پسادرستی، نقش تاثیرگذاری در توسعه قدرت نرم و نفوذ یک کشور در عرصه جهانی، افزایش اعتبار و اعتماد و موفقیت دیپلماسی عمومی جدید دارد. در این نوشتار، برای استخراج مولفه‌های زبان دیپلماتیک، به متن معاهدات، سخنرانی افراد مشهور مانند روسای جمهور، وزاری امور خارجه، بیانیه‌های رسمی دولتی و تبلیغات دولتی توجه شده است. در بخش اول مقاله که چارچوب تئوریک بحث را تشکیل می‌دهد، رابطه متقابل زبان با فرهنگ ملی و نقش آن در ارتباطات فرافرهنگی بیان و در بخش بعدی نه شاخص و هشت مهارت کلی مربوط به زبان دیپلماتیک بررسی شده است. در ادامه، اهمیت فزاینده زبان دیپلماتیک به عنوان یکی از ابزارهای مهم قدرت نرم در چارچوب دیپلماسی عمومی جدید بررسی و در خاتمه، هفت عامل موفقیت آن در عصر جوامع پساحقیقت^۱ بازگو شده است.

^۱ . Post- Factual or Truth Society

رابطه زبان با فرهنگ و نقش آن در ارتباطات فرافرهنگی

برای درک بهتر رابطه زبان با دیپلماسی، لازم است ابتدا رابطه آن با فرهنگ، هویت، طرز تفکر و کنش اجتماعی و تاثیر آن بر ارتباطات فرافرهنگی یا میان فرهنگی بررسی شود. نوع این رابطه، از گذشته، دغدغه‌ای مورد توجه برای محققین اجتماعی و فرهنگی بوده و اخیراً محققین دیپلماسی نیز به آن علاقمند شده‌اند. آخرین تحقیقات انجام شده توسط روانشناسی شناخت^۱ و روانشناسی فرهنگی^۲ حاکی از رابطه پیچیده و متقابل آنها است که به طور خلاصه بررسی می‌شود:

۱. **رابطه زبان با فرهنگ، هویت و تفکر:** زبان یک سیستم ارتباطی و مجموعه‌ای از کدها، صداها و نمادهایی است که به منظور کسب، سازماندهی، ساختاربندی و تبادل اطلاعات، دانش و تجارب استفاده می‌شود (Byram, 2008). فرهنگ نیز به طور کلی مجموعه‌ای از اعتقادات، معانی، ارزش‌ها، اصول اخلاقی، الگوهای رفتاری، هنجارها، آداب و رسوم، سنت‌ها و شیوه زندگی گروهی از مردم است که آنها را از دیگران متمایز می‌سازد. زبان و فرهنگ هر دو پویا هستند و در ارتباط با دیگران و کسب تجارب و دانش جدید و از نسلی به نسل دیگر متحول، بازتعریف و از نو ساختاربندی می‌شوند (Su Kim, 2003).

بسیاری از محققین علوم اجتماعی معتقدند فرهنگ و زبان، دو مفهوم جدایی ناپذیر و درهم تنیده هستند. زبان حامل و بازتاب دهنده تجارب و ارزش‌های فرهنگی است و همزمان تحت تاثیر فرهنگ شکل می‌گیرد. در یک درک گسترده تر، زبان، بازتاب دهنده پیشینه تاریخی و فرهنگی مردم، نوع تفکر و روش زندگی و نوع نگاه آنها به جهان پیرامون است (Jiang, 2000).

رابطه میان زبان و فرهنگ مثل نوک کوه یخ است که بخش قابل مشاهده آن زبان است، اما بخش بزرگتر و غیرقابل مشاهده، فرهنگ می‌باشد. به عبارت دیگر، فرهنگ و زبان، یک موجود زنده را تشکیل می‌دهند که زبان پوست و گوشت و فرهنگ به مثابه خون است و بدون فرهنگ زبان می‌میرد. در واقع، زبان اگرچه یک وسیله ارتباطی است،

¹ . Cognitive Psychology

² . Cultural Psychology

اما چارچوب و قواعد و کاربرد آن توسط فرهنگ تعیین می‌شود. هر کلمه و اصطلاحی که در زبان استفاده می‌شود، دارای بار معنایی خاصی است که با فرهنگ مرتبط است. به عنوان مثال، ممکن است مردمان دو فرهنگ مختلف از یک کلمه یکسان برای اشاره به یک چیز واحد استفاده کنند، اما معانی متفاوتی منظور باشد. کلمه غذا برای یک چینی به معنای برنج و نان برشته و برای یک فرد بومی انگلیسی زبان به معنای غذای آماده همانند پیتزا و همبرگر است. کلمه سگ در فرهنگ چینی، یادآور یک حیوان پرسرو صدا و یا نگهبان است، اما در فرهنگ غربی به معنای یک حیوان خانگی و همدم و در فرهنگ اسلامی بار ارزشی منفی دارد (Jiang, ibid). نتیجه یک تحقیق که توسط انجمن کلمات بریتانیا و با کمک محققین دانشگاهی دو کشور چین و بریتانیا به دو زبان چینی و انگلیسی در ماههای مارس و ژوئن ۱۹۹۸ در خصوص رابطه دوسویه زبان و فرهنگ انجام شده، جالب توجه است. در این نظرسنجی از چینی و انگلیسی زبان‌ها خواسته شده تا شش کلمه‌ای را که با شنیدن ده واژه غذا، لباس، خانواده، دوستان، شغل، فرهنگ، پول، موفقیت، خوشحالی و عشق^۱ به ذهن آنها متبادر می‌شود، بنویسند. نظر آنها در مورد ده کلمه‌ای که به نوعی بیانگر زندگی مادی و معنوی افراد است، تایید کننده تفکیک ناپذیری زبان و فرهنگ است (Jiang, Ibid). فرهنگ، نقش مهمی در درک ما از جهان و نحوه انتقال تفکرات، احساسات و پیام‌ها توسط زبان دارد. در واقع، ارزش‌ها و فرهنگ یک ملت در زبانی که از آن استفاده می‌کند، تبلور می‌یابد. لذا هر زبانی یک سیستم نمایندگی^۲ و دریچه خاص برای ورود ما به جهان است. روشی که صحبت می‌کنیم، عمیقاً ریشه در فرهنگ‌های خاص دارد و خود این فرهنگ‌ها حاصل فرایندهای طولانی تولید و بازتولید هستند که خیلی آهسته تکامل پیدا می‌کنند. لذا زبان، کلیدی مهم برای درک واقعیت‌های اجتماعی، گذشته فرهنگی یک جامعه، جهان بینی آنها نسبت به زندگی، نحوه کنش‌ها و تعامل آنها با فرهنگ‌ها و جوامع دیگر است. زبان و فرهنگ چه رابطه‌ای با هویت دارند؟ فرهنگ مرتبط به معانی و ارزش‌های مشترک است و این رابطه دوسویه با زبان، هویت یک فرد را شکل می‌دهد. در واقع،

^۱. Food, clothes, family, friend, job, money, culture, success, happiness, love

^۲. Cognitive Psychology

هویت عبارت است از درک و برداشت افراد از اینکه چه کسی هستند؟ و چگونه با دیگران مرتبط یا با آنها متفاوت می‌شوند؟ هویت نیز همانند زبان و فرهنگ، فرایندی پویا و پیچیده است. به نظر نورتون^۱، هویت عبارت است از اینکه افراد چگونه رابطه خود را با جهان دیگران تعریف می‌کنند و چگونه رابطه آنها در فرایند زمان و مکان ساخته می‌شود (Norton, 1977). در نتیجه، زبان یک ابزار قدرتمند برای تعیین هویت و حس تعلق است. با زبان، سطوح مختلف شناسائی در سطح ملی، طبقه اجتماعی، جنسیتی، نسلی، حرفه‌ای و قومی انجام می‌شود. در واقع، افراد متعلق به فرهنگ واحد، دارای معانی، مفاهیم، ایده‌ها، برداشتها و تصاویر مشترک هستند که به آنها اجازه می‌دهد تا درک مشترکی از لغات و اصطلاحات داشته باشند و این موضوع باعث ایجاد حس تعلق و هویت مشترک می‌شود (Alshammari, 2018). به عنوان مثال، تماشاگران یک تیم ورزشی از شعارها و زبان خاص استفاده می‌کنند و از طریق آن فرهنگ خود را نیز ارائه می‌کنند و این نشان می‌دهد که به چه تیمی تعلق دارند و هویت آنها از دیگر تیم‌ها متفاوت می‌شود. در ادامه، رابطه زبان با تفکر بررسی می‌شود. به نظر محققین نسبت زبانی^۲، زبان بر نحوه تفکر و معانی تاثیرگذار است. تحقیقات جدید انجام شده توسط روانشناسان زبان^۳ از جمله تحقیق انجام شده در دانشگاه استنفورد^۴ که در سال ۲۰۰۹ بر اساس داده‌های جمع آوری شده از زبان‌های مهم و قدیمی جهان مانند یونانی، روسی، چینی و غیره انجام شده، نشانگر این است که زبان، نقش مهمی در نحوه تفکر افراد و اهمیت دادن برخی حقایق بر دیگری و نوع نگاه آنها به جهان دارد. (Trauth-Goik, 2018) این می‌تواند دارای پیامدهای مهم در فرایند تصمیم‌گیری، قضاوت و تعامل با دیگران به خصوص در مذاکرات بین‌المللی باشد. به عنوان مثال، در دکترین امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷ چند بار از چین به عنوان یک رقیب^۵ به معنای چالشگر و مخالف نام برده شده، اما معنای رقیب در زبان و فرهنگ چینی به معنای

1. Norton

2. Linguistic Relativity

3. Psycholinguistics

4. Stanford University

5. Rival

دشمن، نزدیک است و لذا دولت چین بر اساس برداشتی که از این کلمه دارد، کنش خود را در برابر دولت آمریکا تنظیم می‌کند (Whitehouse, 2017). علاوه بر این، زبان بر کنش افراد تاثیرگذار دارد. بر اساس تئوری کنش گفتاری^۱ که اولین بار توسط جیمز آستین تشریح شد (Austin, 1962)، برخی کلمات خود نوعی کنش و عمل هستند و برای درک آنها، بایستی به معانی کلمات، قصد و نیت گوینده و بستر و زمینه لازم نیز توجه شود. واضح ترین نمونه‌های کنش گفتاری، بیانات اجرایی^۲ هستند که ادای جمله، بخشی از عمل است. به عنوان مثال، وقتی یک قطعنامه شورای امنیت از طرفین منازعه می‌خواهد که به تنش و درگیری در یک منطقه خاتمه دهند و یا زمینه را برای گفتگو فراهم نمایند، نوعی کنش محسوب می‌شود و فضا را برای تمهیدات و اقدامات بعدی فراهم می‌سازد. در نتیجه، نوع زبان و گفتمان یک کنشگر عرصه دیپلماسی، نقش مهمی در شکل دهی برداشتها و کنش‌های کلامی و غیرکلامی دیگر بازیگران دارد. در واقع، زبان تنها ابزار تبادل اطلاعات و ایده‌ها نیست، بلکه یک نظام نمایندگی پویا است که از طریق گفتمان‌ها، قادر به تولید، شکل دهی و تحول واقعیت‌های نهادی مانند ارزش‌ها، دریافت‌ها، هویت‌ها و کنش‌ها می‌باشد (Byram, 2008). به طور خلاصه، محتوی و ساختار یک زبان، به محتوی و ساختار یک فرهنگ مرتبط است و تفاوت بین زبان‌ها به دلیل تفاوت بین فرهنگ‌ها و هویت‌ها است و این تفاوت، بر جهان بینی و نحوه تعاملات دیپلماتیک و ارتباطات میان فرهنگی جوامع مختلف تاثیرگذار است.

۲. نقش زبان در ارتباطات فرافرهنگی: پدیده جهانی شدن و دیجیتالی شدن جوامع، باعث توسعه ارتباطات فرافرهنگی و نزدیکی فرهنگ‌ها به یکدیگر در مقیاسی بی سابقه شده است، اما این با پدیده محلی گرایی و توجه به فرهنگ و زبان قومیت‌های مختلف، همزمان شده است که یک چالش مهم برای دیپلماسی محسوب می‌شود. لذا، غلبه بر موانع ارتباطات میان فرهنگی به خصوص موانع زبانی^۳، همواره یکی از دغدغه‌های مهم پژوهشگران عرصه دیپلماسی بوده است. به نظر اسپیندلر^۴ مفاهیم و ادراکات

1. Speech Act

2. Performatives

3. Languages Barriers

4. Spindler

بنیادی فرهنگ‌های مختلف، بر رفتار، برداشت و نحوه ارتباط آنها با دیگران تاثیرگذار است. (Su Kim, *ibid*) به عبارت دیگر، زبان آئینه فرهنگ است و افراد از طریق زبان، قادر به دیدن فرهنگ مردمان دیگر جوامع و سرزمین‌ها می‌باشند (Jiang, *ibid*).

لذا، در تهیه دستورالعمل مذاکره و گفتگو با نمایندگان دیگر ملت‌ها، توجه به ویژگی‌های خاص زبانی، فرهنگ و روانشناسی مردم اهمیت زیادی دارد، چون زبان برساخته انسان، جامعه و فرهنگ است و مقدم بر دیپلماسی می‌باشد؛ در واقع، تفاوت در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف، باعث شکل‌گیری دیپلماسی به عنوان یک شغل حرفه‌ای شده است و یکی از وظایف اصلی دیپلمات‌ها، پل زدن بین فرهنگ‌های مختلف است. بسیاری از متون مربوط به دیپلماسی به دیپلمات‌ها توصیه می‌کنند که چگونه با نمایندگان فرهنگ‌های دیگر تعامل و گفتگو کنند تا منجر به سوء برداشت و اختلاف نشود و برای انجام یک مذاکره موفق، به نقاط تفاوت و حساس توجه داشته باشند و زبان خود را متناسب با آن تنظیم نمایند. به نظر تئودور زلدین^۱، هدف یک مذاکره، ایجاد زمینه درک متقابل از طریق تغییر در طرز تفکر و سیاست‌های طرف دیگری است و این بدون درک بستر فرهنگی امکان‌پذیر نیست (Zeldin, 1998). به عبارت دیگر، در یک مذاکره سیاسی و دیپلماتیک دو طرف میز ممکن است از ترم‌ها و واژگان مشابهی استفاده کنند، اما در واقع با دو زبان و فرهنگ متفاوت گفتگو می‌کنند و این دامنه سوء برداشت و عدم درک متقابل را افزایش می‌دهد. در نتیجه، بخش مهمی از مذاکرات دیپلماتیک شامل مناظره درباره کلمات و مفاهیم می‌شود. الدو متیوسی^۲ نیز بر این باور است که حتی ایده‌ها و کلمات ساده وقتی مستعد قرار گرفتن در روابط فرافرهنگی می‌شوند، تبدیل به مفاهیمی پیچیده می‌گردند و فرهنگ‌های لغات، دلالت تاریخی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی آنها را تحلیل نمی‌کنند. به نظر وی، بسیاری از کلمات متکثر هستند، شاخه‌های متعدد معنایی و کاربردی دارند. لذا زبان‌ها، تنها وسیله انتقال معانی نیستند، بلکه یک آرشئو زنده از تمدن و مخزنی از آداب و رسوم گذشته می‌باشند (Matteucci, 2000). از اینرو درک معانی مخفی و نهفته کلمات، درک بافت و بستر

¹ . Theodore Zeldin

² . Aldo Matteucci

فرهنگی، تاریخی و سیاسی مقدم بر درک معنای ظاهری آنها است و موفقیت زبان دیپلماتیک منوط به درک تفاوت‌های فرافرهنگی می‌باشد.

زبان دیپلماتیک: شاخص‌ها و مهارت‌ها

زبان دیپلماتیک، ابزار مهمی برای برقراری ارتباط و انتقال شفاهی و یا مکتوب تفکرات، احساسات، ایده‌ها و معانی است. یادداشت‌های رسمی، متون معاهدات، یادداشت تفاهم‌ها، گزارش‌های مکتوب، بیانیه‌های سیاسی و اعلام مواضع مقامات سیاسی و دولتی، بخشی از زبان دیپلماتیک را تشکیل می‌دهند. در این تحقیق، منظور از زبان دیپلماتیک، توانایی استفاده شفاهی و یا مکتوب از کلمات و جملات به صورت دقیق، هوشمندانه، متوازن، آرامبخش، غیراحساسی و متعادل، در شرایط و وضعیت‌های متفاوت و قرار دادن آنها در یک نظم منطقی با هدف انتقال پیام، تاثیرگذاری و اقناع مخاطب و یا کاهش تنش و حل اختلافات می‌باشد و ترکیبی از منطق، علم و هنر است. حتی در زبان شفاهی، تن صدا (دوستانه، محترمانه، تهدیدآمیز)، مکث بین کلمات و جملات، حرکات مناسب بدن و چهره بخشی از زبان دیپلماتیک محسوب می‌شود. در ادامه، برخی از شاخص‌ها و مهارت‌های مهم زبان دیپلماتیک که از متون رسمی دیپلماتیک استخراج شده، بیان می‌شوند:

۱. **صداقت و اعتبار:** با توجه به ماهیت حرفه دیپلماسی که با امور مربوط به منافع و امنیت ملی سروکار دارد، محرمانه بودن و رازداری همیشه بخشی از ویژگی آن بوده است. علاوه بر این، ماهیت رقابتی قدرت و میراث به جای مانده از دیپلماسی دوران استعماری، باعث ایجاد این تصور غلط در افکار عمومی شده که دروغ، بخشی جدایی ناپذیر از حرفه دیپلماسی است. نقل قول مشهور سر هنری ووتن^۱، دیپلمات انگلیسی قرن هجدهم، هنوز در محافل سیاسی بازگو می‌شود که: "سفیر/دیپلمات، فرد صادقی است که به خارج اعزام می‌شود تا به خاطر کشورش دروغ بگوید و دسیسه چینی نماید" (Parmer, 2014).

¹ . Sir Henry Wotton

اما در عصر اطلاعات، صداقت، بخشی جدایی ناپذیر از حرفه دیپلماسی است و نقش مهمی در کسب اعتبار بین المللی و اعتماد عمومی ایفا می کند. دیپلماسی با تبلیغات متفاوت است. هارولد نیکلسون^۱، در کتاب مشهور خود می نویسد: " دیپلماسی خوب و موفق، متکی به اعتبار است و یک دیپلمات، باید به قوائد بازی پایبند باشد". لذا باید جمله هنری ووتن، اینگونه اصلاح شود که دیپلمات خوب کسی است که به خاطر حفاظت از منافع ملی و معرفی کشور خود به دولت میزبان و دولت فرستنده، واقعیتها را منتقل می کند و نه آنچه را که خود و یا دیگران دوست دارند، هرچند ممکن است در کشور خود به خاطر بیان و انتقال واقعیتها، مورد توهین قرار گیرد. در نتیجه، ارسال گزارشهای عینی و واقعی از کشور میزبان، اهمیت زیادی در دیپلماسی دارد، انتقال پیام بر اساس برداشتهای شخصی و غیرعلمی، ممکن است تبعات مهمی بر روابط دوجانبه یا منافع و امنیت ملی به همراه داشته باشد، البته بیان واقعیت در کشور میزبان، به معنای گفتن همه چیز نیست. اینکه چه چیزی، چه زمانی و چگونه گفته شود و چه چیزهایی ناگفته باقی بماند، یک هنر و دانش است.

۲. **دقت و هوشمندی:** به نظر هارولد نیکلسون^۲ دقت، بعد از صداقت و اعتبار، جایگاه دوم را در دیپلماسی دارد (Scott, 2001). در این حرفه، انتخاب کلمات دقیق، منظم و هوشمندانه، به مثابه آجرهای یک ساختمان هستند. در تفسیر زبان دیپلماتیک، فرض معمول بر این است که دیپلماتها کلمات خود را با شناخت و آگاهی و به صورت حساب شده انتخاب می کنند. به عبارت دیگر، زبان یک هنر بر ساخته است؛ یک گوینده برای انتقال مقصود و پیام خود به دنبال واژهها و جملات دلنشین و جذاب می گردد تا آن را در شکل بسیار فصیح و مناسب به مخاطب خود عرضه نماید. منظور از دقت^۳، رعایت نکته سنجی و وسواس زیاد در انتخاب کلمات، دقت در جزئیات، توجه به پیامدهای بعدی گفتار و نوشتار، عدم نشان دادن اشتیاق در هنگام موافقت و عدم استفاده از جملات تحقیرآمیز در هنگام مخالفت می باشد.

1. Harold Nicolson

2. Harold Nicolson

3. Precision

۳. **مودبانه و احترام آمیز:** طرح خواسته‌ها و بیان مواضع به صورت مودبانه و احترام آمیز، نقش مهمی در اقناع افکار عمومی و جلب نظر دیگر دولت‌ها دارد. فرض دیپلماسی، پذیرش وضعیت برابر و احترام به منافع و ملاحظات دیگر بازیگران برای رسیدن به نتیجه مطلوب است. اما استفاده از کلمات منفی و زبان پرخاشجوبانه، باعث ایجاد تنش و فاصله بیشتر بین طرفین منازعه می‌شود و قدرت جذب و اقناع افکار عمومی را کاهش می‌دهد. تحقیقات روانشناسی ثابت کرده که مردم به جملات مثبت بهتر پاسخ می‌دهند، (Chilton, 1990) لذا در زبان دیپلماتیک تلاش می‌شود جملات منفی نیز به صورت ملایم و در شکل مثبت بیان شوند و درجه ناخوشایندی آن کمتر شود. به بیان دیگر، فرمولیزه کردن زبان در ساختار زیبا و مودبانه، با انتخاب لحن و کلمات مناسب، مثل روغن کاری کردن به لولاها و مفاصل ارتباطی بین افراد و ملت‌ها می‌باشد.

۴. **زبان صلح و مصالحه:** یکی از وظایف اصلی دیپلماسی، مدیریت و حل منازعات و اختلافات و جلوگیری از وقوع جنگ و تنش به خصوص در جهان درهم تنیده و غیرقابل پیش بینی کنونی است که به دلیل تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک و اقتصادی، بیشتر از گذشته مستعد تنش و بحران شده و هزینه جنگ در آن افزایش یافته است. در چنین وضعیت حساسی، بر اهمیت دیپلماسی پیشگیرانه^۱ افزوده شده (Williams, 2014) و زبان دیپلماتیک نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کند و نباید سوخت تنش و منازعه شود و یا به آن دامن بزند. واژه‌ها، می‌توانند آرامش دهنده، خنثی، بی طرف، انفجاری، برانگیزاننده احساسات، تحریک کننده، تحقیرآمیز و یا انقلابی باشند. این موضوع که برخی از دیپلمات‌ها و سیاستمداران به جای انتخاب زبان متمدنانه و مودبانه از زبان خشونت، نفرت و تنش استفاده می‌کنند، بستگی به خصوصیات فرهنگی، سطح آموزش و دانش آن جامعه دارد. به طور کلی، جوامع چندفرهنگی و دموکراتیک که در آن تعصبات مذهبی، فرهنگی، قومی و محلی کم رنگ شده و سطح سواد، تساهل و مدارا نسبت به دیگر فرهنگ‌ها تقویت شده، در استفاده از زبان دیپلماتیک مودبانه، پیشگام هستند. در واقع، در هنگام تنش و منازعه، زبان دیپلماتیک تلاش دارد با تاکید بر نقاط

¹ . Preventive Diplomacy

مشترک، اختلاف نظرها، کوچک‌تر از واقع نشان داده شود، تا با آرام کردن افکار عمومی، از اهمیت موضوع و حساسیت آن بکاهد تا زمینه بررسی دقیق آن در فضای دور از تنش و به صورت منطقی و در چارچوب منافع ملی فراهم شود. در این وضعیت، بیشتر از کلمات و عبارات نرم کننده^۱، مودبانه و غیرمستقیم که هدف آن کاهش منفی پیامد گفتار یا نوشتار است استفاده می‌شود. به عنوان مثال، به جای گفتن " این اقدام از سوی کشور الف نفرت انگیز، خصمانه یا غیرقابل تحمل است " گفته می‌شود که " این اقدام با حسن همجواری و یا قوانین بین المللی سازگار نیست ".

۵. **زبان حقوق و قانون: حرفه دیپلماسی**، مظهر توجه به قوانین، مقررات و عرف بین المللی است. به نظر ایان هرد^۲، دیپلماسی و قوانین بین المللی، محصول تعامل و توافق بین دولت‌ها هستند و لذا از آنها انتظار می‌رود که به آن نیز پایبند باشند (Hurd, 2011). در واقع، بیانیه‌های سیاسی و گفته‌های شفاهی و نوشتاری دیپلمات‌ها و مقامات سیاسی و دولتی، بار و پیامد حقوقی - سیاسی دارد و توسط دیگر بازیگران عرصه بین المللی و عمومی، مورد توجه و استناد قرار می‌گیرد، لذا زبان دیپلماتیک، باید در چارچوب قوانین و معاهدات داخلی و بین المللی و در راس آن منشور ملل متحد بیان شود. هرالده که^۳، مشاور حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا در زمان هیلاری کلینتون در مورد اهمیت واژه‌ها در جهان سیاست، مدعی است که متن هر سخنرانی وزیر امور خارجه قبل از ایراد عمومی، توسط دهها کارشناس از جنبه‌های مختلف بررسی می‌شود. (Koh, 2018) ادوین ویلاد^۴ نویسنده کتاب " سخنرانی روسای جمهور " نیز مدعی است که در تهیه پیش نویس متن سخنرانی روسای جمهور آمریکا، یک تیم مشارکت دارند و سپس متن تهیه شده به بخش‌های مختلف دولتی برای بررسی و اصلاح ارسال می‌گردد. (Vilade, 2012) دلیل این دقت، تنها بار حقوقی کلمات نیست، بلکه قدرت واژه‌ها در ایجاد تصویر در ذهن مخاطبان است که راه را برای تحقق اهداف بعدی سیاستمداران فراهم می‌کند.

1 . Softeners

2 . Ian Hurd

3 . Harold Koh

4 . Edwin Vilade

۶. **بی طرفانه و حرفه ای:** علیرغم اینکه هدف اصلی زبان دیپلماتیک، حمایت و پیشبرد اهداف ملی است، اما لازم است در هنگام انتقال پیام، از زبان بی طرفانه و حرفه‌ای استفاده شده و از تعصبات ملی، قومی، فرهنگی و سیاسی فراتر رفته و به ملاحظات تمام طرف‌ها توجه شود. به عبارت دیگر، یک دیپلمات حرفه‌ای در مذاکرات بین‌المللی نه تنها در راستای کمک به منافع کشورش اقدام می‌کند، بلکه تلاش دارد امور ملی را از احساسات و اصول اخلاقی و تفاوت‌های فرهنگی جدا کرده تا به درک متقابل برسد. به طور کلی، در زبان دیپلماتیک، بایستی خط مشی غیرقضاوت‌کننده داشت و پذیرای تنوع و اختلاف بود و بین اصول اخلاقی و منافع ملی توازن برقرار کرد. لذا، برخورداری یک دیپلمات از رویکرد صادقانه، حرفه‌ای، عینی و بی طرف در هنگام استفاده از زبان مکتوب و شفاهی و توجه به حساسیت‌های فرهنگی، نقش مهمی در موفقیت وی و جلوگیری از سوء برداشت و پیامدهای منفی بعدی دارد.

۷. **اقناع‌کننده و مستدل:** از جمله شاخص‌های مهم زبان دیپلماتیک، توان اقناع‌سازی افکار عمومی و بازیگران برای رسیدن به اهداف خاص است. تئودور زلین^۱ مورخ انگلیسی مدعی است که هدف یک مذاکره موفق، توانایی ایجاد تغییر در افکار و اهداف طرف مقابل است (Scott, 2013) و این هدف تنها با ترکیب هوشمندانه اقناع سازی سخت و نرم امکان پذیر می‌شود. اقناع سازی سخت: شامل قدرت برهان، منطق و استفاده از مستندات حقوقی و اقناع سازی نرم: یعنی استفاده از جاذبه‌های احساسی، استعاره، تشبیه، داستان، طنز و یا مقایسه‌های تاریخی با هدف جذب افکار عمومی است.

۸. **اخلاق مند و تعاملی:** هیچ زبانی بدون یک گوینده و یک شنونده وجود ندارد. زبان دیپلماتیک وقتی ممکن می‌شود که به وجود دیگری اذعان شود؛ لذا، ماهیتی دوسویه دارد و فراتر از انتقال پیام، متضمن شنیدن، دریافت پاسخ و احترام به شخصیت، منافع و نظرات طرف دیگری است. چون فرض اولیه هرگونه مذاکره دیپلماتیک، پذیرش وضعیت برابر است. اما مذاکره با دولت‌هایی که دارای نگاه و رویکرد مطلق‌گرایانه در سیاست خارجی هستند، بسیار مشکل است، چون ارزش‌ها و قضاوت‌های از قبل انجام شده، مانع انعطاف در مذاکرات و مهم‌تر از آن عدم پذیرش دیگری به عنوان مذاکره

^۱ . Theodor Zeldin

کننده برابر می‌شود. به طور کلی، مکتب ایده آلیسم بر اهمیت رعایت اصول اخلاقی در زبان دیپلماتیک تاکید دارد و مکتب واقع‌گرای بی‌شتر به منافع و قدرت توجه دارد. اما به نظر استنکو نیک^۱ تعهد بیش از حد به اصول اخلاقی نیز باعث ناکارآمدی زبان دیپلماتیک می‌شود و لذا باید بین اصول اخلاقی و قدرت، توازن برقرار گردد (Nick, 2011).

۹. **توجه به منافع ملی:** اصل بنیادین در سیاست خارجی هر کشوری، حفظ و توسعه منافع ملی است و دیپلماسی، علم هدایت و اجرای سیاست خارجی جهت تحقق آن می‌باشد، از اینرو زبان دیپلماتیک باید در چارچوب منافع ملی بیان شود. از نظر واقع‌گرایانی مانند هانس مورگنتا^۲، ارزشهای فرهنگی، جزو منافع مهم ملی هستند (Pham, 2016)، اما جوزف نای^۳ در مقاله مشهوری با عنوان "بازتعریف منافع ملی در عصر اطلاعات" بر آن است که منافع ملی در دولت‌های دموکراتیک و مردم‌سالار، مجموعه‌ای از اولویت‌های مشترک شهروندان در برابر دیگر کشورها است و ارزشهای فرهنگی مرتبط با هویت ملی، جزو منافع حیاتی آن محسوب می‌شود (Nye, 1999). البته لازم به ذکر است که منافع ملی، واژه‌ای مبهم است و دولت‌ها معمولاً سیاست‌های خود را در چارچوب آن توجیه می‌کنند؛ بدان جهت، نوام چامسکی^۴ مدعی است که منافع ملی بیشتر منعکس‌کننده منافع نخبگان حاکم در قدرت است (Chomsky, 2015).

موضوع مهم دیگر این است که منافع ملی، با قدرت و امکانات در پیوند نزدیک است و رویکردهای مبالغه‌آمیز و شعاری در زبان دیپلماتیک، اعتبار و کارآمدی آن را کاهش می‌دهد. گسترش شبکه‌های اجتماعی، باعث فشار بیشتر بازیگران جامعه مدنی بر دولت‌ها برای توجه به منافع جمعی در دیپلماسی شده است؛ از آن رو، زبان دیپلماتیک، هرچه بیشتر نماد فرهنگ، ارزش‌ها و اهداف و منافع جمعی کلیه شهروندان باشد؛ از اعتبار، پذیرش و تاثیرگذاری بیشتری در عرصه افکار عمومی داخلی و جهانی برخوردار خواهد بود.

1 . Stanko Nick

2 . Hans Morgenthau

3 . Joseph Nye

4 . Noam Chomsky

در ادامه برخی از مهارت‌های مهم مربوط به زبان دیپلماتیک تشریح می‌گردد:

۱. **انتقال شفاف پیام با جملات کوتاه و ساده:** یک فرد دیپلمات یا سیاستمدار سعی می‌کند در عین رعایت ظواهر، پیام سیاسی خود را با دقت و ظرافت و به صورت واضح و با استفاده از جملات کوتاه و ساده به مخاطب منتقل کند، تا مطمئن گردد پیامش به درستی منتقل و درک می‌شود. بسیاری از دیپلمات‌ها، لحن غیرمستقیم را ترجیح می‌دهند و مقصود خود را به طور قطعی اعلام نمی‌کنند، اما در محیط جدید جهانی و برخلاف گذشته که از زبان دیپلماسی غیرمستقیم و مبهم برای ارسال پیام به دیگران استفاده می‌شد، اکنون زبان دیپلماسی مستقیم به خصوص در تعامل با عرصه عمومی اهمیت بیشتری یافته است. چون زبان غیرمستقیم ممکن است باعث ایجاد سوء برداشت شود. به نظر کوربالیجا و اسلاویک^۱، توسعه ارتباطات بین افراد از طریق شبکه‌های جدید ارتباطی، باعث کاهش اهمیت رسمیت^۲ در دیپلماسی و انتقال پیام به صورت مستقیم شده است. (Kurbalija and Slavik, 2001)

استیفن رایان^۳ نیز بر این باور است که در عصر اطلاعات، معانی کلمات و نشانه‌ها یکسان نیست؛ لذا به دیپلمات‌ها توصیه می‌شود که در تعامل با گروه‌های غیرهمگن، از علائم مستقیم و روشن استفاده کنند، چون یک سیگنال ممکن است در فرهنگ دیگر، معنای کاملاً متفاوتی داشته باشد. (Ryan, 2015) به عنوان مثال، وقتی یک هندی سرش را به آرامی به طرفین حرکت می‌دهد علامت موافقت است، اما اگر شدید باشد به معنای مخالفت می‌باشد. (Ryan, 2015) البته کشورها به منظور اطمینان از درک دیگر دولت‌ها از اهداف و سیاست‌های آنها، پیام‌های خود را به طور همزمان به روش‌های مختلف منتقل می‌کنند. البته، انتقال پیام به صورت صریح و یا در لفافه بستگی به نوع فرهنگ دارد. کشورهایی با بافت فرهنگی پایین^۴ مانند بسیاری از کشورهای غربی، در مذاکرات صریح بوده و پیام خود را به صورت شفاف و رک منتقل می‌کنند، اما کشورهایی

^۱ . J. Kurbalija and H. Slavik

^۲ . Formality

^۳ . Stephen Ryan

^۴ . Low Context Culture

با زمینه فرهنگ بالا^۱، مانند چین، هند، ایران و کشورهای عربی، تمایل به انتقال پیام به صورت غیرمستقیم از طریق استعاره، کنایه و در لفافه دارند و به ارتباطات شخصی در مذاکرات اهمیت بیشتری می‌دهند. آنها در تفسیر زبان دیپلماتیک نیز به حاشیه بیشتر از متن توجه دارند؛ در این راستا، شخصیت گوینده، نوع احساسات، نوع لحن و تن صدا، حرکات چهره و پیش زمینه، اهمیت بیشتری دارد. به عنوان مثال، سوء برداشت طارق عزیز، وزیر امور خارجه وقت عراق در هنگام انتقال پیام جرج بوش توسط جیمز بیکر، وزیر امور خارجه وقت آمریکا در مورد هشدار حمله به کویت توسط صدام به دلیل نوع بیان آرام و مستقیم به درستی توسط عراق درک و جدی گرفته نشد. (Peace Watch, 2000)

۲. **استفاده موثر از زبان بدن:** رفتارهای غیرکلامی یا زبان بدن^۲، بخش مهمی ارتباطات دیپلماتیک را تشکیل می‌دهند. براساس تحقیقات انجام شده، بیش از دو سوم معانی توسط زبان بدن منتقل می‌شود. بنابراین، هر ژست و حرکت دیپلماتیک اعم از حرکات بدن، حالات چهره، طریقه دست دادن، محل و شکل جلسات، شکل میز مذاکره و نوع پوشش بخشی از رفتارهای غیرکلامی بوده و حاوی پیام می‌باشند. به نظر ریموند کوهن^۳، زبان بدن، مکمل ارتباطات کلامی است و زمانی موثر است که به فرهنگ خاصی وابسته نباشد و درک آن برای دیگران امکان پذیر باشد. علاوه بر این، مبهم بوده و امکان معانی و برداشت‌های مختلف را فراهم نماید و سوم اینکه به موقعیت زمانی و بستر استفاده آن توجه شود. (Khalid, 2011)

۳. **توازن بین شفافیت و محرمانگی:** عصر دیجیتال باعث اهمیت دیپلماسی باز^۴ شده، اما با توجه به اینکه برخی از موضوعات مربوط به دیپلماسی با منافع و امنیت ملی مرتبط است، شفافیت به دلیل نقش مخرب بازیگران رقیب، مانع رسیدن به توافق می‌شود؛ به خصوص هنگامی که مسایل سیاست خارجی به انتظارات و احساسات ملی گره می‌خورد. در این حالت، مواضع اعلامی دولت‌ها، تبدیل به مواضع مذاکراتی می‌گردد و این باعث کاهش قدرت انعطاف مذاکره کنندگان برای کسب امتیاز و انجام مصالحه

1 . High Context Culture

2 . Body Language

3 . Raymond Cohen

4 . Open or Naked Diplomacy

خواهد شد. معمولاً مواضع اعلامی به دلیل ملاحظات داخلی، شکل آرمان‌گرایانه و تهاجمی‌تر دارد و باعث تند شدن زبان دیپلماتیک می‌شود؛ وضعیتی که در مذاکرات هسته‌ای کشورمان با شش قدرت بزرگ جهانی به وجود آمد. در واقع، بخش مهمی از قدرت دیپلماسی در مسائل و موضوعاتی است که به صورت صریح بیان نمی‌شود، چون، ناگفته‌ها خود بخش مهمی از حرفه دیپلماسی را تشکیل می‌دهند و سخن گفتن به اندازه و متناسب با موقعیت زمانی و شرایط مناسب، اهمیت زیادی در این حرفه دارد.

۴. کیاست در گفتار: موقع‌شناسی، دقت و ظرافت^۱ در گفتار، روشی هنرمندانه و موثر به منظور برقراری ارتباط و طرح زیرکانه و مودبانه ایده‌ها و انتقال پیام است به نحوی که باعث واکنش منفی طرف دیگری نگردد. (Tracz, 2003) داشتن این مهارت، نقش موثری در قدرت اقناع‌سازی و دسترسی به اهداف دیپلماتیک دارد. اعتماد به نفس در ارتباط با دیگری و در هنگام مواجهه با وضعیت‌های بحرانی و سخت، توانایی استفاده هوشمندانه از احساسات، ابراز همدردی و توجه به ملاحظات دیگری و صداقت، بخشی از مولفه‌های هنر ظرافت یا کاردانی در زبان دیپلماتیک می‌باشد.

۵. تلفیق خطابه با منطق: در عصر اطلاعات، به دلیل نقش رسانه‌های جدید و اهمیت اقناع‌سازی، دولت‌های اقتدارگرا به خصوص پوپولیستی، تمایل زیادی به استفاده از تکنیک لفاظی و فصاحت^۲، با هدف جذب و اغوای افکار عمومی و تداوم سلطه و تفوق خود دارند. اما فن خطابه و لفاظی^۳ که بیشتر به تبلیغات نزدیک است و با استفاده از احساسات و کنترل داده‌ها و اطلاعات به دنبال جهت‌دهی به افکار عمومی است، بیشتر حالتی مونولوگ و عوام‌فریبانه دارد. لذا تناسبی با زبان دیپلماتیک نداشته و استفاده بیش از حد آن، ضمن آسیب به اعتبار و اعتماد یک کشور، باعث سوء برداشت، تشدید تنش و تداوم منازعه می‌گردد و فاقد قدرت اقناع‌سازی بلندمدت می‌باشد.

از جمله تکنیک‌های خطابه، تمایل سیاستمداران به استفاده از تشابه‌سازی تاریخی^۴ برای مقایسه یک وضعیت خاص با دوران ویژه تاریخی است. در واقع، با ساده‌سازی

1. Tact

2. Rhetoric

3. Rhetoric

4. Historical Analogizing

موضوعات پیچیده داخلی و جهانی، تلاش می‌شود تا مردم عادی درک بهتری از وضعیت کنونی به خصوص در مواقع بحرانی پیدا نمایند. به عنوان مثال، آقای خاتمی، رئیس جمهور وقت ایران در مصاحبه با شبکه سی ان ان^۱ در سال ۱۹۹۸ با مقایسه اقدام نمادین مهاجرین پوریتن^۲ در ابتدای ورود به آمریکا و اقدام آنها در آشتی بین ایده آزادی و مذهب، گفت: جامعه پسانقلابی ایران نیز به سمت این آشتی حرکت می‌کند (CNN, 98). به نظر درازن پهار^۳، در صورت استفاده از این تکنیک، باید بین دقت تاریخی و مهارت دیپلماتیک و تلیفیک منطق با خطابه توازن ایجاد شود (Pehar, 2001). از دیگر تکنیک‌های فن لفاظی و بلاغت، استفاده از کلیشه‌ها^۴ در جهت اهداف مثبت یا منفی است. در این حالت، برخی صفات و یا خصوصیات به یک فرد و یا جامعه نسبت داده می‌شود که واقعیت ندارد، اما قطعی فرض و معرفی می‌شود. رسانه‌های غربی از کلیشه‌های منفی همانند اهریمن، محور شرارت، ناقض حقوق بشر، حامی تروریسم وغیره در چارچوب جنگ روانی و تبلیغاتی علیه رقباء استفاده می‌کنند.

۶. تکنیک ابهام و سایه دار کردن معانی: منظور از تکنیک ابهام^۵ عدم اطمینان و یا ایجاد تردید نیست، بلکه توانائی پنهان کردن حقایق و سخن گفتن به نحوی است که منجر به فهم و درک از چند جهت متفاوت شود، به نحوی که مخاطب بتواند دو یا چند معنای متفاوت را همزمان درک کند. ابهام، گاهی مربوط به ویژگی کلمات و یا فرهنگ متفاوت است و گاهی نیز به صورت هدفمند و به دلیل جلوگیری از تنش بیشتر و یا خودداری از بیان یک واقعیت صورت می‌گیرد که ممکن است در شرایط خاص، اعلان عمومی آن به مصلحت نباشد. در این صورت، از کلمات مبهم و یا جملات با ساختار پیچیده استفاده می‌شود و یا با استفاده از تکنیک‌های کلی گویی، طفره روی^۶ یا سایه دار کردن معانی از طریق خودداری از پاسخ به سؤال و یا تصمیم‌گیری به صورت قطعی در مذاکرات و با طرح موضوعات جدید، توجه‌ها از موضوع اصلی

1. CNN

2. Puritan

3. Drazen Pehar

4. Stereotypes

5. Ambiguity

6. Hedging

منحرف می‌شود. در واقع، ابهام بخشی از زبان مودبانه است و هدف انتقال پیام به نحوی است که حالتی توهین آمیز نداشته باشد. در دیپلماسی کنفرانس^۱ شاهد تلفیق دو مشخصه دقت و ابهام در یک جمله هستیم. هدف دقت، کاهش تعهد و تقویت ادعاهای خود و هدف ابهام، کاهش نگرانی‌های طرف دیگر و تضمین یک حاشیه جهت تفسیرهای بعدی است. لذا، در برخی متون نوشتاری و در شرایط خاص مانند مذاکرات صلح، به خصوص قدرت‌های کوچک، ترجیح می‌دهند تا از واژه‌های کلی و مبهم استفاده کنند تا در آینده بتوانند تفسیرهای مورد دلخواه خود را از متون انجام دهند و یا از پذیرش برخی تعهدات خودداری نمایند (Kurbalija and Slavik, 2001).

در مذاکرات صلح رامبوویلر^۲ صرب‌ها به دنبال حفظ کوزوو به عنوان یک استان خود بودند، اما کوزوو خواستار برخورداری از وضعیت برابر همانند صربستان و مونته‌نگرو بود، میانجیگران برای حل موضوع از عبارتی مبهم استفاده کردند: "کوزوو از اختیار و توانایی هدایت روابط خارجی خود هم‌تراز/مشابه یا برابر^۳ با دیگر جمهوری‌های یوگسلاوی سابق برخوردار است". استفاده از واژه (Equivalent) که مبهم است، زمینه توافق و رضایت کوزوو را فراهم کرد (Kaser, 99). به طور خلاصه، از ابهام در زبان دیپلماتیک به منظور ایجاد تصویر مثبت از سیاست‌های یک کشور و جلب افکار عمومی، رسیدن به توافق، شمول بیشتر موضوعات و یا کشورها در یک معاهده و یا موفقیت آمیز نشان دادن مذاکرات و یا یک توافق استفاده می‌شود، اما گاهی ابهام در متون نوشتاری، می‌تواند در آینده منشا منازعه و از سرگیری اختلاف شود.

۷. تفسیر و رمزگشایی: در تعاملات و ارتباطات دیپلماتیک، زبان، تمامی منظور گوینده را بیان نمی‌کند و بخش مهمی از مذاکره، شامل بحث در مورد کلمات و مفاهیم مختلف برای غلبه بر موانع زبانی^۴ و رسیدن به درک مشترک می‌شود. از این رو، از جمله وظایف دیپلمات‌ها، کدشکنی از زبان دیپلماتیک، از طریق جمع‌آوری اطلاعات در مورد بافت و بستری است که در آن زبان بیان می‌شود. چون زبان، حاوی بسته‌های

1. Conference Diplomacy

2. Rambouiler

3. Equivalent

4. Language Barriers

مفهومی^۱ یعنی تجارب گذشته، ایده‌ها، زمینه سیاسی- فرهنگی، سابقه حقوقی و تاریخی است که محتوی را شکل می‌دهد. در نتیجه، درک بستر فرهنگی در فهم زبان دیپلماتیک اهمیت زیادی دارد (Matteucci, 2001). به بیان دیگر، زبان در یک متن یا گفتار، متضمن هم معانی کلماتی است که استفاده می‌شود و هم شامل تجارب گذشته و معانی طولانی و درازمدتی است که مدفون شده و به عنوان مانع عمل می‌کند. به خصوص وقتی یک گفتار یا مذاکره دیپلماتیک به مفاهیمی مانند افتخار، غرور ملی، هویت ملی، امنیت، عدالت مربوط می‌شود، لذا نمی‌توان پذیرفت که همه طرف‌ها درک یکسانی از این واژه‌ها داشته باشند.

۸. استفاده خلاقانه از زبان طنز: داشتن روحیه برون‌گرا، گرم و دوستانه و برخورداری از مهارت شوخ طبعی، یکی از عوامل موفقیت دیپلماسی در عصر فناوری اطلاعات است و نقش مهمی در موفقیت زبان دیپلماتیک و مدیریت مذاکرات بین‌المللی به خصوص در زمانه تنش و بحران دارد. به نظر دتريچ کاپلر^۲ وقتی دو نفر نسبت به یک جوک، واکنش مثبت نشان می‌دهند، نوعی ارتباط و احساس متقابل بین آنها ایجاد می‌شود و طرف دیگر تمایل بیشتری برای شنیدن و یا پذیرش ایده‌های طرح شده توسط دیگری پیدا می‌کند (Kappeler, 2013).

پیتر سراسینو^۳ معتقد است که داشتن روحیه شوخ طبعی و یا مهارت استفاده از زبان طنز، یکی از عوامل موفقیت سیاستمداران و دیپلمات‌ها در مجامع بین‌المللی است. (Serracino, 2001) جیمز لندال^۴ نیز مدعی است که خنده در عصر شبکه‌های اجتماعی به بخشی از حرفه دیپلماسی تبدیل شده و استفاده از جوک، روشی موثر برای انتقال غیر مستقیم پیام دیپلماتیک است که نقش مهمی در جلب افکار عمومی دارد (Landale, 2018).

به طور سنتی، دیپلماسی حرفه‌ای همراه با تشریفات است که ظاهری جدی و رسمی دارد، اما در دو دهه اخیر با توجه به اهمیت دیپلماسی عمومی و افزایش نقش شبکه‌های

1 . Conceptual Baggages

2 . Dietrich Kappeler

3 . Peter Serracino

4 . James Landale

اجتماعی، مقامات سیاسی و دیپلمات‌ها به استفاده از ابزارهای گوناگون از جمله طنز روی آورده‌اند. البته استفاده از زبان طنز موضوعی بسیار حساس و ظریف است و نباید از طنزهای نژادی، قومی و تحقیرکننده استفاده کرد و باید به حساسیت‌ها، تفاوت‌ها و زمینه‌های مشترک فرهنگی، شخصیت طرف متقابل و فضای مذاکرات دیپلماتیک توجه داشت؛ استفاه نامناسب از آن باعث می‌شود تا فرد کمتر جدی گرفته شود.

۹. **زبان محلی، ابزار شناخت و نفوذ:** همانطور که بیان شد تنها فراگیری قواعد گرامری و دستوری و معانی لغوی کلمات و اصطلاحات، برای برقراری ارتباط و شناخت یک جامعه کافی نیست، بلکه همزمان فرهنگ آن کشور نیز باید درک شود. پیامد مهم آموزشی این موضوع، ضرورت توأمان شدن آموزش زبان با فرهنگ است؛ برخی کشورها همانند ژاپن از این روش تلفیقی و نوین در امر فراگیری زبان دیگر کشورها استفاده می‌کنند (Li & Umemoto, 2010). از آن جهت، یک دیپلمات، نیازمند درک جنبه‌های فرهنگی زبان هست و باید اطلاعات کلی درباره لحظات مهم تاریخی، فرهنگ ملی و مردمی، ضرب المثل‌ها، غذاها، اسطوره‌ها، طنز، سینما، نویسندگان، شعرا، ورزشکاران و هنرمندان مشهور کشور محل ماموریت کسب نماید. به نظر روبین نیبلت^۱، مهارت یادگیری زبان کشور میزبان، دیپلمات‌ها را قادر می‌سازد که با جامعه مقیم تعامل بیشتر داشته و این به جمع‌آوری اطلاعات دقیق و شناسایی تحولات آینده کمک می‌کند (Guardian, 2013). اهمیت تسلط به زبان محل در کارآمدی و موفقیت دیپلماسی به حدی است که آکادمی دیپلماتیک بریتانیا در گزارشی در سال ۲۰۱۳ با عنوان "باختن به کلمات" هشدار داد که به دلیل کمبود مهارت‌های زبانی دیپلمات‌های بریتانیا، موقعیت دیپلماتیک و تجاری و نفوذ خارجی و امنیت ملی این کشور در معرض خطر قرار گرفته است (European Journal of Language Policy, 2014). لذا، کسب مهارت‌های نوشتاری و گفتاری زبان کشور میزبان، نقش مهمی در توسعه نفوذ به زیر لایه‌های زیرین جامعه هدف، درک عمیق فرهنگ آن، اعتمادسازی و پل‌سازی و در نهایت ارتقای منافع و امنیت ملی ایفا می‌کند.

¹ . Robin Niblett

زبان دیپلماتیک، ابزار کارآمد دیپلماسی عمومی جدید در عصر اطلاعات

عصر اطلاعات یا دیجیتالی که مشخصه آن انقلاب در فناوریهای ارتباطی - اطلاعاتی است، باعث تغییرات بنیادین در نحوه ارتباطات، میزان دسترسی و مشارکت عمومی در مباحث سیاست خارجی و نحوه ارتباط و انتقال پیام توسط دولت‌ها به شهروندان خارجی شده است (Dhia, 2005). توسعه شبکه‌های اجتماعی از یک سو، باعث افزایش دسترسی، مذاقه و واکنش افکار عمومی به موضع‌گیری‌ها و سخنان مقامات دولتی و کارگزاران سیاست خارجی شده و از سوی دیگر، به محدودیت و تاثیرپذیری فرایندهای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری دیپلماتیک منجر شده است. به نظر جوزف نای^۱ افکار عمومی به عنوان یک محدودیت و همچنین یک منبع، برای کارگزار سیاست خارجی عمل می‌کند و به کنش‌های کلامی و غیرکلامی وی جهت می‌دهد. (Parnment, 2013). لذا، بر خلاف نظریه‌های سنتی دیپلماسی که توجه اندکی به افکار عمومی داشتند و نقش مهمی برای دولت‌ها در مدیریت اطلاعات، تصویرسازی و تبلیغات قائل بودند، اکنون، دستگاه‌های دیپلماتیک ملی در حال بازتعریف ظرفیت‌ها و روش‌های ارتباطی با عرصه عمومی هستند (وحیدی، ۱۳۸۹).

از جمله اهداف اصلی کشورها در سیاست خارجی، تقویت قدرت ملی و توسعه نفوذ خارجی است، اما با افزایش هزینه استفاده از قدرت سخت در عصر وابستگی متقابل، دولت‌ها به دنبال روش‌های ارزان‌تر همانند قدرت نرم هستند که به دنبال جلب همکاری و شکل‌دهی ترجیحات و کنش‌های دیگران بدون استفاده از ابزار اجبار و تطمیع است. (Parnment, 2013) در واقع، قدرت نرم نقش مهمی در برجسته‌سازی برخی مفاهیم، روایت‌ها و گفتمان‌ها بر دیگری دارد. براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی^۲، کلیه ارتباطات کلامی و غیرکلامی تحت تاثیر قدرت شکل می‌گیرد و به ذهن‌ها شکل می‌دهد که چگونه اندیشید، رفتار کرد و سخن گفت (Junling, 2010). به نظر جوزف نای^۳ فرهنگ، ارزشهای سیاسی و نوع سیاست خارجی که در نظر دیگران، اعتبار و مشروعیت اخلاقی دارد، سه منبع اصلی قدرت

^۱ . Joseph Nye

^۲ . Critical Discourse Analysis

^۳ . Joseph Nye

نرم هستند و جذابیت و اعتماد نقش مهمی در پذیرش آن دارد که منجر به کسب رضایت می‌شود. نکته مهم این است که این منابع به خودی خود به کسب قدرت و نفوذ منجر نمی‌شود و این نیازمند شکل خاصی از دیپلماسی است که دیپلماسی عمومی نام دارد (Parnment, 2013).

اگر دیپلماسی، مدیریت تغییرات در محیط بین‌المللی از طریق تعامل با دولت‌های خارجی است، دیپلماسی عمومی، مدیریت تغییر محیط بین‌المللی از طریق تعامل با بازیگران عرصه عمومی است. اما گسترش کانالهای ارتباطی دوسویه و تعاملی فراملی، منجر به تحول عمیق در اهداف، روش‌ها، اجرا و هدایت دیپلماسی و شکل‌گیری مفهوم دیپلماسی عمومی جدید^۱ شده است.

بر خلاف دیپلماسی عمومی سنتی که صرفاً یک ابزار سیاست خارجی برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت از طریق ارسال و کنترل پیام‌های یکسویه تبلیغاتی با استفاده از رسانه‌های سنتی بود و در آن، افراد منفعل و صرفاً پذیرنده پیام فرض می‌شدند و تمرکز اصلی آن بر گروه‌های نخبه بود، دیپلماسی عمومی جدید با استفاده از بستر رسانه‌های جدید و هوشمند، ماهیتی تعاملی و همکاری جویانه پیدا کرده و در آن شنیدن، تبادل، دیالوگ و اقناع سازی اهمیت بیشتری دارد و حوزه اصلی توجه آن، عموم مردم است. اساساً، دیپلماسی عمومی جدید با استفاده از دانش بین‌رشته‌ای و تکنیک‌های مدرن ارتباطی به دنبال درک و فهم دیدگاهها، ساختار ترجیحات، چگونگی ساخت معانی، گرایش‌های فرهنگی، الگوهای رفتاری مردم کشور هدف و نحوه استفاده آنها از رسانه‌ها، به منظور افزایش حداکثری و بلندمدت نفوذ از طریق مدیریت گفتمان‌ها، هنجارها و بسیج کنش‌ها است و زبان دیپلماتیک، به عنوان ابزار مهم قدرت نرم نقش مهمی در تحقق این اهداف دارد. اصولاً، بخش مهمی از فعالیت‌های دیپلماسی عمومی و ارتباط با حوزه عمومی و معرفی و تبلیغ ارزش‌ها و اهداف یک کشور، از طریق زبان گفتاری و یا نوشتاری صورت می‌گیرد؛ لذا، موفقیت آن تا حد زیادی منوط به استفاده حرفه‌ای از زبان دیپلماتیک است.

^۱ . New Public Diplomacy

عوامل موفقیت زبان دیپلماتیک در عصر سیاست پسادرستی

عصر اطلاعات، باعث ایجاد جوامع پسادرست^۱ (Davies, 2016) و عرصه سیاسی پسادرستی^۲ شده است (Hvid, 2017). در جامعه پسادرست، واقعیت‌های عینی و حقیقی کمتر در شکل دهی افکار عمومی تاثیرگذار هست و تعصب و احساسات و آنچه افراد آن را واقعی و درست فرض می‌کنند، در مقایسه با حقیقت و واقعیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. البته، این به معنای فراموشی کامل واقعیت‌ها نیست؛ بلکه اهمیت ثانویه دارند. چون، گسترش شبکه‌های اجتماعی و افزایش نقش بازیگران دولتی و غیردولتی در تولید حجم انبوه و بی سابقه اخبار و اطلاعات واقعی و جعلی و پوپولیستی شدن قدرت، باعث ایجاد این وضعیت و کاهش اعتماد به منابع سنتی اطلاعات شده است. در عرصه رقابت شدید واقعیت، شبه واقعیت و دروغ برای جلب نظر افکار عمومی، افراد تمایل به پذیرش داستان‌ها و روایت‌هایی دارند که با باورهای قبلی آنها سازگار تر است. از اینرو نیاز به روش‌ها و ابزارهای جدید برای جلب توجه و اعتماد عمومی در دیپلماسی احساس می‌شود. زبان دیپلماتیک به عنوان یک ابزار مهم دیپلماسی عمومی جدید و قدرت نرم می‌تواند ابزاری مهم در عرصه سیاسی پسادرستی باشد و موفقیت آن نیازمند توجه به عوامل ذیل است:

۱. جریان مستمر و منسجم از پیام‌های صحیح و بینادذهنی: بر اساس تحقیقات انجام شده توسط موسسه رند^۳ در مورد کارآمدی تبلیغات روسی که یکی از کشورهای پیشگام در عرصه تبلیغات و جنگ روانی - اطلاعاتی است، افراد تمایل به پذیرش مطالبی دارند که تکرار می‌شوند و تکذیب اطلاعات دروغ، تنها به تقویت و پذیرش خبر دروغین اولیه کمک می‌کند (Matthews & Paul, 2016). لذا، تنها راه غلبه بر اطلاعات ساختگی، تکذیب و عمل متقابل نیست؛ بلکه ایجاد جریان مستمر از پیام‌ها و روایت‌های واقعی، معتبر، منسجم و مثبت است که مبتنی بر حساسیت‌های فرافرهنگی، ارزشهای مشترک بینادذهنی و قابل فهم برای مردم کشورهای هدف باشد.

^۱ . Post- Factual Society

^۲ . Post-truth politic

^۳ . Rand

نکته مهم دیگر این است که ایجاد مرکز سیاستگذار و هماهنگ کننده واحد برای گفتمان سازی و تصویرسازی و انتقال پیام‌های منسجم بسیار مهم است، چون انتقال پیام‌های متناقض توسط مراکز متعدد دخیل در امر دیپلماسی عمومی، تنها منجر به کاهش اعتماد و اعتبار پیام رسان می‌گردد و قدرت نفوذ آن را تضعیف می‌کند. استفاده از فضای سایبری، میزان دسترسی به مخاطب و برد پیام‌ها را بسیار افزایش می‌دهد.

۲. **توانایی قالب بندی مباحث:** قالب بندی^۱ که مرتبط با علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه است، در عصر سیاست پسا درستی به عرصه رقابت دولت‌های رقیب تبدیل شده و یک راهبرد مهم در دیپلماسی عمومی جدید است. قالب بندی، توانایی پیکربندی و چارچوب بندی اخبار، تحولات و رویدادها و نحوه ارائه اطلاعات از طریق قرار دادن آن در قالب خاصی است که مشروع و اخلاقی جلوه نماید. هدف آن، تسلط و کنترل مباحث و گفتمان‌ها و حتی شکل دهی دستورکار دیگر کشورها از طریق فضا سازی و کمپین رسانه‌ای و تبلیغاتی است. به بیان دیگر، فریم سازی، به معنای انتخاب برخی از جنبه‌های یک واقعیت یا رویداد و برجسته کردن آن به نحوی است که باعث ارتقای تفسیر مورد نظر یک دولت و پذیرش اخلاقی آن در افکار عمومی شود. در مذاکرات بین المللی نیز، توانایی فریم سازی و خلق کلمات و یا تعاریف جدید بسیار مهم است و خلق یک واژه یا تعریف و برداشت جدید از آن می‌تواند سرنوشت یک مذاکره یا معاهده را تعیین نماید. کشورهای قدرتمند برای تعاریف و تفاسیر مورد نظر خود از واژه‌ها، حتی اقدام به ایجاد و ساخت واقعیت‌های عینی جدید می‌کنند.

در مرکز قالب بندی، حذف، گزینش، سازمان دهی و برجسته سازی و مرتبط کردن جزئیات مختلف به یک کل قرار دارد و تلاش می‌شود با تکرار و مرتبط کردن یک رویداد به باورها و نمادهای آشنا برای مردم، تفسیر مورد دلخواه یک دولت، اخلاقی تر جلوه کند. به نظر کولچ و جاکس^۲ هرچه روایت یک کشور اخلاقی تر جلوه کند، سیاست‌ها و اهداف آن با مقاومت کمتری توسط سپهر عمومی مواجه می‌شود. (Quelch & Jocz, 2009) اهمیت آن به حدی است که جوزف نای مدعی است که اخلاقی جلوه کردن،

¹ . Framing

² . Quelch & Jocz

نقش مهمی در کاهش یا افزایش توانایی یک کشور در استفاده از قدرت سخت دارد. (Nye, 1999) ون هام^۱ نیز با طرح مفهوم قدرت اجتماعی^۲ بر آن است که قدرت نرم یک کشور متکی به توانایی آن در ایجاد استانداردها و هنجارهایی است که در افکار عمومی جهان مشروع جلوه نماید و بدون اجبار پذیرفته شود و ایجاد آن به توانایی فریم سازی وابسته است (Ham, 2013). طرح ایده گفت و گوی تمدن ها^۳ توسط رئیس جمهور اسبق کشورمان در سال ۲۰۰۱، نوعی توان فریم سازی برای هدایت مباحث و کنشها در جهت پیشبرد سیاستها و اهداف کشورمان بود. در چندسال اخیر، شبکه‌های اجتماعی^۴ با توجه به اقبال جهانی آن به عرصه رقابت فریم سازی بین کشورهای مختلف تبدیل شده و مقامات سیاسی و شبکه‌های دیپلماتیک ملی توجه خاصی به استفاده از آن برای فریم سازی مباحث و معرفی کشور خود و یا رقبا به عمل می‌آورند. گستره تاثیرگذاری توئیت یک مقام سیاسی به عنوان مثال توئیت‌های دکتر ظریف، وزیر خارجه کشورمان از بیانیه‌های رسمی دولتی به مراتب بیشتر است. تحقیقات دانشگاه آکسفورد^۵ در مورد فریم سازی دوگانه آمریکا و روسیه از سیاستها و اهداف دیگری بعد از ضمیمه کردن جزیره کریمه به خاک روسیه در سال ۲۰۱۴، نشانگر آن است که غیراخلاقی معرفی کردن اقدامات دیگری و اخلاقی جلوه دادن سیاستهای خود در مرکز رقابت آن دو در فضای سایبری قرار دارد (Manor, 2015).

نکته مهم این است که توانایی قالب بندی یک دستگاه دیپلماتیک ملی به سطح دانش و تخصص نیروی انسانی و میزان امکانات و مهارت آنها در بهره برداری از شبکه‌های جدید اجتماعی، توانائی آنها در گفتمان سازی و داشتن اعتماد به نفس، جسارت و راهبرد تهاجم بستگی دارد. رویکردهای غیرهدفمند و صرفا واکنشی به پیامها، روایتها و رویدادها، منجر به انفعال، از دست دادن حمایت عمومی و آسیب درازمدت به منافع و امنیت ملی می‌شود.

1. Van Ham

2. Social power

3. Dialogue Among Civilizations

4. Social Networking Sites

5. University of Oxford

۳. **توانایی جلب توجه:** به نظر جوزف نای، هدف اصلی قدرت نرم در عصر اطلاعات، جلب توجه^۱ مخاطب است، چون فراوانی اطلاعات منجر به مرگ توجه و بی تفاوتی افراد نسبت به حجم انبوه اطلاعات صحیح و نامعتبر شده است. میزان تولید داده در عصر اطلاعات با کل تاریخ بشر برابری می‌کند؛ لذا، قدرت و ثروت به سمت افرادی تمایل دارد که در کسب توجه افکار عمومی موفق تر هستند (Nye, Ibid). مهارت زبان دیپلماتیک در کسب توجه، مبتنی بر ایجاد جریان مستمر از پیام‌های صحیح، استفاده از پیام رسانان معتبر، صداقت در گفتار و کردار و برقراری ارتباط دو سویه و احترام آمیز با مخاطب می‌باشد.

۴. **پیوند سخن با عمل:** از جمله انتقادات طرح شده در خصوص زبان دیپلماتیک این است که بیشتر با کلمات سروکار دارد و کلمات با عمل همراه نیست و به این ضرب المثل مشهور استناد می‌شود که اعمال بهتر از کلمات صحبت می‌کنند^۲ یا دو صد گفته چون نیم کردار نیست. این ضرب المثل در جهان کنونی که به گفته جوزف نای^۳ عصر پارادوکس فراوانی اطلاعات^۴ است و افراد به سختی قادر به تشخیص اطلاعات درست از دروغین هستند (Nye, 2005). تنها عاملی که در ایجاد اعتماد و جلب افکار عمومی نسبت به سیاست‌ها و ارزشهای سیاست خارجی یک کشور اثرگذار است، سازگاری بین گفتار و اعمال است که ارزشمندترین سرمایه اجتماعی یک دولت در ارتباطات دیپلماتیک محسوب می‌شود که برای آن اعتبار و اقتدار به همراه می‌آورد.

۵. **پیام رسان معتبر:** به نظر بوردیو (Bourdieu, 97) یک گفتار نمی‌تواند بدون توجه به گوینده سخن و گوینده نیز بدون توجه به شبکه بزرگتر رابطه اجتماعی و فرهنگی درک شود. به نظر وی در درک و پذیرش یک سخن، باید به مفهوم لیاقت و صلاحیت یعنی فردی که برای گفتن آن سخنان شایستگی و اعتبار دارد نیز توجه شود (Lee Sukim, Ibid) که به گفته نای^۵ در عصر اطلاعات، اعتبار، مقدس ترین منبع قدرت است.

1 . Attention

2 . Actions speak loader than words

3 . Joseph S. Nye

4 . The Paradox of Plenty

5 . Nye

است. به همین دلیل، توصیه بخش دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه آمریکا به دیپلمات‌های این کشور، استفاده از افرادی است که در کشور خود از اعتبار و نفوذ برخوردار هستند. (Wharton, 2017) چون اثرپذیری و پذیرش پیام‌ها توسط مخاطبین آسان تر می‌شود.

۶. تعامل و پذیرش مخاطب: بر خلاف مدل خطی تبلیغات، فرض زبان دیپلماتیک، وجود مخاطبان فعال و آگاه هست که در ساخت معانی تاثیرگذار هستند. در عصر اطلاعات، با بستری از پیام‌ها و معانی متکثر روبرو هستیم که توسط گروه‌های متعدد در تعامل با محیط پیچیده رسانه‌ای، سیاسی و اجتماعی ساخته می‌شود. در نتیجه، شنیدن، دیالوگ و تعامل با مخاطب و توجه به نظرات و ملاحظات وی و حتی استفاده از ظرفیت‌های وی در دیپلماسی عمومی یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است.

۷. تمرکز بر نوجوانان و جوانان در ارسال پیام: مبادلات فراهنگی مکمل زبان دیپلماتیک است و از جمله راهبردهای موثر برای مقابله با اطلاعات دروغین و ارائه پیام معتبر در عصر سیاست پساواقعی است. گسترش تبادلات هنری، فرهنگی، آموزشی و گردشگری، زمینه دسترسی افراد را به اطلاعات واقعی و دست اول از دیگر جوامع فراهم می‌کند و در ایجاد اعتماد متقابل نقش مهمی دارد. ریچارد آرنட்^۱ در تحقیقی که در خصوص میزان کارآمدی مبادلات فرهنگی در عصر اطلاعات انجام داده به این نتیجه رسیده که این نوع مبادلات، کم هزینه ترین روش برای انتقال پیام‌های صحیح است که بیشترین تاثیر را در تعمیق پیوند میان جوامع از طریق درک متقابل ایفا می‌کند (Kim, 2011). چون، مبادلات فرهنگی، زمینه‌ای بی طرفانه و غیر سیاسی برای دسترسی و شناخت افراد دیگر فرهنگ‌ها از سیاست‌ها و اهداف یک کشور فراهم کرده و ابزاری کارآمد برای مقابله با اطلاعات گمراه کننده است و افراد دخیل در این نوع مبادلات، خود به سفرا و پیام رسانان موثر یک کشور تبدیل می‌شوند. بر اساس تحقیق انجام شده توسط گروه آموزشی دانشگاه استنفورد^۲، مخاطب اصلی پیام‌ها و مبادلات فرهنگی در دیپلماسی عمومی جدید، باید

¹ . Richard T. Arndt

² . Stanford History Education Group

نوجوانان و جوانان باشند، چون هنوز مهارت‌های تفکر انتقادی در آنها کامل نشده و قادر به تشخیص اطلاعات درست از ساختگی نیستند (Donald, 2016).

نتیجه‌گیری

در عصر اطلاعات، بستر و بافتی که در آن دیپلماسی اجرا و هدایت می‌شد، تغییر کرده و فراوانی اطلاعات و شکل‌گیری شهروندان آگاه و فعال و تخصصی‌تر شدن فرایند جلب توجه و اقناع‌سازی، بر اهمیت زبان دیپلماتیک به عنوان ابزار مهم قدرت نرم در چارچوب دیپلماسی عمومی جدید افزوده است. توسعه شبکه‌های جدید اجتماعی - ارتباطی، زمینه دسترسی و واکنش افکار عمومی به اظهارات شفاهی و مکتوب مقامات دولتی و کارگزاران سیاست خارجی را به صورت لحظه‌ای و در مقیاسی بی‌سابقه فراهم کرده و این دامنه اثرگذاری و پیامدهای مثبت یا منفی آنها را بسیار افزایش داده است. در عرصه سیاست پسادرستی که نقش واقعیت‌ها در جامعه کمتر شده و انفجار اطلاعات منجر به سردرگمی و آسیب‌پذیری افکار عمومی شده است، موفقیت دستگاه دیپلماتیک ملی در عرصه جهانی، بستگی به کاربرد روش‌های جدیدی است که از طریق آن بتوان به صورت منظم سیاست‌ها و برنامه‌ها را به پیام‌های متقاعدکننده و معتبر به هدف درک و کسب حمایت عمومی تبدیل نماید. بنابراین، زبان دیپلماتیک به عنوان زبان منطق، تدبیر، قانون، آرامش، ادب، احترام، استدلال و اقناع، نقش مهمی در چارچوب دیپلماسی عمومی جدید در تامین منافع و امنیت ملی و تولید حیثیت، اعتبار، ثروت و قدرت برای یک کشور از طریق تصویرسازی مثبت از اهداف و سیاست‌ها و مدیریت هنجارها، معانی و بسیج‌کنش بازیگران عمومی به هدف تاثیرگذاری بر دستورکار سیاست خارجی دیگر دولت‌ها دارد. اما موفقیت زبان دیپلماتیک به عنوان آئینه تبلور هویت، فرهنگ و ارزش‌های یک ملت، منوط به توانایی آن در ایجاد جریان مستمر از پیام‌های صحیح و منسجم، توانایی قالب‌بندی مباحث بر اساس فهم مشترک، استفاده از پیام‌رسان‌های معتبر، تعامل با مخاطب، پیوند گفتار با عمل، دانش و مهارت استفاده از شبکه‌های جدید اجتماعی و رویکرد جسورانه و تهاجمی در فرایند شکل‌دهی گفتمان‌ها، هنجارها و بسیج‌کنش‌ها می‌باشد.

منابع و مأخذ

1. Sukim, Lee, (2003), "Exploring the relationship between language and culture and Identity", Journal of Language Studies, Vol. 3, No 2.
2. Byram, Michael, (2008), from foreign language education to education for intercultural citizenship, UK: Multilingual Matters.
3. Jiang, Wenying, "The relationship between culture and language", ELT Journal, Volume 54, Issue 4, 1 October 2000, Pages 328–334.
4. Norton, B. (1977). "Language, identity and the ownership of English", TESOL Quarterly, 31(3), pp409-429.
5. Hall, S. (1997), Cultural representations and signifying practices, London: Sage.
6. Alshammari, Sultan Hammed ,(2018), "The relationship between language, identity and cultural differences: a critical review", IJSSHE-International Journal of Social Sciences, Volume 2, Number 1, available at:
<http://www.ijsshe.com/index.php/ijsshe/article/view/67/37>
7. Imai, Mutsumi, Kanero, Junko & Mutsumi Imai, Masuda, Takahiko, (2016), "The relation between language, culture, and thought, Current Opinion in Psychology", Volume 8, P 70-77.
8. Trauth-Goik, Alexander,(2018), "Lost in translation: how language impacts diplomacy, Market Mogul, available at:
<https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>
9. Sharp, Paul, (2001), "Talking to American: problems of Languages and Diplomacy, Language and Diplomacy. J. Kurbalija and H. Slavik, Diplo Foundation.
10. Zeldin, Theodore,(1998), Conversation: how talk can change your life , London: Harvill Press, p 103.
11. Matteucci, Aldo, (2001), "Language and diplomacy, a practitioner's view, Language and Diplomacy. J. Kurbalija and H. Slavik, Diplo Foundation. p 22.
12. Williams, Abi, (2014), Modern diplomacy as a tool for conflict prevention, The Hague Institute for Global Justice, available at:
<http://www.thehagueinstituteforglobaljustice.org/latest->

- insights/latest-insights/commentary/modern-diplomacy-as-a-tool-for-conflict-prevention/
13. Serracino-Inglott, Peter,(2001), “To joke or not to joke: a diplomatic dilemma in the age of internet”, Language and Diplomacy, Ibid.
 14. Chen, Selina & Breivik, Anne,(2014) “Lost for words: the need for languages in security and diplomacy”, European Journal of Language Policy, Volume 6, Issue 2, Autumn, pp. 244-249.
 15. Codrea-Rado , Anna, (2013), “How Important are languages for diplomacy and national security”, The Guardian, 27 Nov, available at: <https://www.theguardian.com/education/2013/nov/26/languages-diplomacy-national-security-livechat>
 16. Landale, James, (2018), “Humor and diplomacy”, Diplomatic Magazine, 5 Feb., available at: <http://www.diplomatmagazine.com/humour-and-diplomacy/>
 17. Tracz, Robert, (2003), How to Communicate with Power, Diplomacy and Tact, Rockhurst University Continuing Education Center.
 18. Nick, Stanko, (2011), “Use of language in diplomacy, Languages and Diplomacy, ibid, p16.
 19. Palmer, Matthew, (2014), The American mission, US: New York Times.
 20. Nicolson ,Harold,(1961) the old diplomacy and the new,UK: Institute of international studies.
 21. Li, XiaoYan & Umemoto, Katsuhiko,(2010), “Toward an Integrated Approach to Teaching Japanese Language and Culture: A Knowledge Perspective”, Intercultural Communication Studies XIX: 2,available at: <https://web.uri.edu/iaics/files/20XiaoYanLiKatsuhikoUmemoto.pdf>
 22. Koh, Harold,(2018), “The Trump Administration and International Law”, C-Span Cable, available At: <https://www.c-span.org/video/?452002-1/the-trump-administration-international-law>
 23. Nye, Joseph, (2005), Soft Power: The Means To Success In World Politics, UK: click and collect.
 24. AUSTIN , J. L., (1962), How to do things with words , Harvard University Press .
 25. Parnment, James, (2013), New public diplomacy in the 21 century, Routledge.
 26. Dhia, Amir, (2005), The Information Age and Diplomacy, Dissertation, pp 148- 179.

27. Hernández, O., (2014), World Public Opinion and International diplomacy, FLACSO-ISA Joint Conference “Global and Regional Powers in a Changing World” Buenos Aires, Argentina , July 23-25th.
28. Wang, Junling, (2010), “A Critical Discourse Analysis of Barack Obamas Speeches”, Journal of Language Teaching and Research, Vol. 1, No. 3, pp. 254-261.
29. Hvid, Kigge, (2017), WE MUST OVERCOME POST-FACTUAL SOCIETY, designtoimprovelife Weblog, JANUARY 3, 2017, available at: <https://designtoimprovelife.dk/we-must-overcome-post-factual-society/>
30. Davies, William, (2016), “The Age of Post-Truth Politics”, nytimes, 24 August, available at: <https://www.nytimes.com/2016/08/24/opinion/campaign-stops/the-age-of-post-truth-politics.html>
31. Paul, Christopher & Matthews, Miriam,(2016),The Russian "Firehouse of Falsehood" Propaganda Model, Rand Corporation, available at: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE198.html>
32. Wharton , Bruce, (2017), “Public Diplomacy in a Post-Truth Society”, Hoover Institution, Stanford University, available at: <https://www.state.gov/r/remarks/2017/268592.htm>
33. Kim, Hwajung , (2011), Cultural Diplomacy as the Means of Soft Power in an Information Age, University of St Andrews, available at: <http://www.culturaldiplomacy.org/pdf/case-stud...>
34. Donald, Brooke, (2016), Stanford researchers find students have trouble judging the credibility of information online, Stanford University, available at: <https://ed.stanford.edu/news/stanford-researchers-find-students-have-trouble-judging-credibility-information-online>
35. Pham, J. Peter, (April 2015), “What Is in the National Interest? Hans Morgenthau's Realist Vision and American Foreign Policy”, the Journal of the National Committee on American Foreign Policy Volume 37, Issue 4, Pages 187-193.
36. Nye, Joseph S., (August 1999), “Redefining the National Interest”, Foreign Affairs, Volume 78, Number 4.
37. Chomsky , Noam, (2015), What does national interest actually mean?”, available at: <https://www.youtube.com/watch?v=tbVhz5SUmtw>

38. Watch Peace,(2000), " how the United States negotiates", conference organized by the Unites State Institute of Peace, 24-26 July, Peace Watch, Vol. 6, October, pp49-50.
 39. CNN, (1998), ' ranscript of interview with Iranian President Mohammad Khatami", January 7, available at: <http://edition.cnn.com/WORLD/9801/07/iran/interview.html>
 40. Vilade, Edwin, (2012), *President's Speech: The Stories Behind The Most Memorable Presidential Addresses*, US: Lyons Press.
 41. Ryan, Stephen B., (2015), "Cultural Diplomacy in International Relations : understanding hidden bias in cultural knowledge", *Cultural Diplomacy in International Relations : understanding hidden bias in cultural knowledge*, available at: <http://www.lib.yamagata-u.ac.jp/alllib/elib/kiyouh/kiyouh/kiyouh-18-2/image/kiyouh-18-2-063to086.pdf>
 42. Kaser, Karl, Wolfgang Petritsch, and Robert Pichler,(1999), *Kosovo-Kosova* (KlagenfurtWien: WieserVerlag.), pp. 327-328.
 43. Kappeler, Dietrich, (2013), *persuasion, the essence of diplomacy*, Malta: Diplon Foundation.
 44. Ham, Van P., (2013). *Social power in Public Diplomacy* , New York: Taylor and Francis, pp. 17–28.
 45. Quelch, J. A., & Jocz, K. E. (2009), "Can Brand Obama Rescue Brand America", *Brown Journal of World Affairs.*, 16(1), pp163-178.
 46. Manor, Ilan, (September 2015), "Framing Adversaries: Digital Diplomacy and Moral De-Legitimization", *Conference on International Relations (EISA)*, At Sicily, available at: https://www.researchgate.net/publication/282704015_Framing_Adversaries_Digital_Diplomacy_and_Moral_De-Legitimization
 47. Khalid Jasim, Al-Shamary, (2011), "BODY LANGUAGE IN DIPLOMATIC COMMUNICATION", Available at: file:///C:/Users/nikbin/Downloads/Nvkyu_2011_23_6.pdf
۴۸. وحیدی، موسی الرضا، (۱۳۸۹) *دیپلماسی در جهان در حال تحول، ساختارهای و سازوکارهای نوین*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.